پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۳۹ – ۲۱۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۱۰۹

گفتمان مقاومت (شیعی) و تأثیر آن بر نظم امنیتی هژمونیک غرب‌آسیا در مواجهه با گفتمان‌های سَلَفی و اِخوانی

مرتضی شیرودی[۱]
احمدرضا شاه علی[۲]
کرم جمشیدی فرد[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۳**

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سبب تحولی بنیادین در منطقه راهبردی غرب آسیا شد و معادلات نظام بین الملل را از هم گسست. برای تبیین ماهیتِ رقابتِ گفتمان مقاومت در تقابل با گفتمان‌های متخاصم در حوزه راهبردی غرب‌آسیا – در بازه زمانی پسا انقلاب اسلامی در ایران ۱۳۵۷/ ۱۹۷۹ و انقلاب‌های عربی ۱۳۹۰/ ۲۰۱۱– ضروری است مؤلفه‌ها و عناصر مهم آن با رویکردی توصیفی – تحلیلی به صورت واقع‌بینانه مورد واکاوی قرارگیرد. مقاله حاضر درقالب چارچوب نظری کپنهاگ، به بررسی این موضوع پرداخته است . در واقع، اسلام سیاسی عمده‌ترین گفتمان اثرگذار در تحولات چند دهه اخیر منطقه است و کاربست فرقه‌ای آن، حوزه راهبردی غرب آسیا را در دوره‌ای پراز تنش و آشوب همراه با جنگ، خشونت و اختلافات مذهبی و قومی قرار داده لذا این اثر، در صدد پاسخگویی به این پرسش برآمده تا تأثیر گفتمان مقاومت (شیعی) بر نظم امنیتی هژمونیک غرب‌آسیا در مواجهه با گفتمان‌های سَلَفی و اِخوانی را مورد ارزیابی قرار دهد. احتمالاً گروه‌های فروملی و فراملیِ شیعه این ایده را در خود بازتولید نمودند که توانایی دگرگونی نظم مسلط بر منطقه را دارند.

واژه‌های کلیدی: گفتمان مقاومت، نظم هژمونیک، اسلام اِخوانی و سَلَفی، مجموعه امنیتی منطقه‌ای و غرب‌آسیا.

۱. دانشیار علوم سیاسی مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین پژوهی پیامبر اعظم (ص) و پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران.(نویسنده مسئول) dshirody@yahoo.com
۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. Shahali@iust.ac.ir
۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، تهران، ایران. k.jamshidifard@gmail.com
Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

مقدمه

بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل بر این باورند که بحث درخصوص جایگاه امنیت درسیاست خارجی کشورها یکی از مباحث مهم در درک روابط بین‌الملل محسوب می‌گردد. پایان جنگ سرد، شکل گیری نظم نوین جهانی، ظهور بازیگران فراملی و فرادولتی، روند جهانی شدن و ... موجب شد تا بحثی کاوشگرانه پیرامون مطالعات امنیتی و چیستی آن مطرح گردد. بویژه آنکه فروپاشی رقابت میان آمریکا و شوروی در قالب جنگ سرد، ضمن آنکه ادبیات سیاسی و امنیتی را دگرگون کرد بلکه اکنون، فرصت تازه ای به منظور بسط مطالعات امنیتی را خارج از محدوده و چارچوب تنگ منازعه دو ابر قدرت فراهم آورده است. آگاهی و اشراف بر مبحث «امنیتی» امری ضروری بوده و از آنجایی که منطقه آسیای غربی و خلیج فارس را به دلیل اهمیت امنیتی و اقتصادی به ا اصطلاح «قلب زمین»[1] می نامند بنابراین امنیت و نظم امنیتی حوزه مزبور، یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های کشورهای حاضر در منطقه و البته قدرت‌های فرامنطقه ای باشد (مظاهری، ۱۳۹۸: ۸۸). به جرأت می‌توان گفت هیچ تحول و دگرگونی در سطح نظام بین‌الملل و منطقه – اعم از جنگ اعراب و اسراییل، بحران‌های نفتی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فروپاشی شوروی و نظام دوقطبی، جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس، واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نتوانستند همانند تحولات پس از سال ۲۰۱۱ بر محیط سیاسی، امنیتی و اجتماعی منطقه غرب آسیا وخاورمیانه تأثیر بگذارد؛ به نحوی که می‌توان گفت در پی افزایش خشونت و جنگ‌های داخلی و افزایش مداخلات قدرت‌های خارجی در بحران‌های منطقه در حال تغییر است و این تغییر در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیکی و سیاسی– امنیتی در حال وقوع می‌باشد.

با مطالعه سیر این وقایع می‌توان گفت آوردگاه راهبردی غرب‌آسیا در فضای پساانقلاب اسلامی در ایران، به دو محور سازش و مقاومت نه‌تنها در موضوع مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین بلکه در تمامی مسائل تقسیم شده بود. جمهوری‌اسلامی‌ایران به‌عنوان کشوری کانونی در اتحاد با سوریه، حزب‌الله، حماس، انصارالله و در پاره‌ای موارد عراق، محور مقاومت را تشکیل می‌داد. در محور سازش نیز، کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس، اردن و مصر در اتحاد با ایالات‌متحده قرار داشتند (قاسمی، ۱۳۹۷: ۶). از آنجایی که به طور مشخص

1. Heart Land

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

تحولات منطقه مزبور همواره تحت تأثیر منازعات ایدئولوژیک (شیعی ـ سنی) بوده است، دامنه این منازعات موجب شکل‌گیری دو گروه از معارضین (محور غَربی ـ عَربی ـ عِبری) و جریان مقاومت (شیعی) شده است (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۶: ۳). در واقع مخالفان قدرت‌یابی شیعیان در تلاشند تا با مفهوم‌پردازی‌هایی از شیعه در قالب گفتمان شیعه‌هراسی، خطر سیطره شیعیان بر آوردگاه راهبردی غرب‌آسیا و کشورهای راهبردی همچون سوریه، عراق و یمن را برجسته و مفهوم‌سازی کنند؛ بازخوانی شرایط محیطی و پیرامونی و ارائه بازتعریف و خوانش دقیق تحولات منطقه‌ای و بین المللی امر مهمی محسوب می‌گردد. بر این اساس بررسی جایگاه اسلام سیاسی در تکوین نظام امنیتی منطقه غرب آسیا و چگونگی مواجهه جمهوری اسلامی ایران با آن، پدیده جدیدی در ادبیات موضوع است که این مقاله با رویکردی توصیفی ـ تحلیلی و با کاربست ملاحظات کاربردی در پی بررسی آن است.

پیشینه پژوهش

حوزه مطالعاتی گفتمان مقاومت (شیعی)، نظم امنیتی غرب‌آسیا و گفتمان‌های سَلَفی و اِخوانی در سطحی کلان، طی چند دهه اخیر توسعه چشمگیری داشته است اما هر یک از تحلیل گران و اندیشمندان بر ایستارها، ارزش‌ها، برداشت‌ها و چارچوب‌های مفهومی خاصی در راستای تبیین موضوع مورد مُداقه مبادرت ورزیده‌اند

– «بری بوزان» (۱۳۹۰) در کتاب «مردم، دولت و هراس» منسجم‌ترین کار را در حوزه تئوری پردازی در مورد مجموعه‌های امنیتی تدوین کرده است. از نظر بوزان هر منطقه‌ای فرمول امنیتی ویژه خود را دارد و شیوه حل منازعه بین مناطق، از یکی به دیگری قابل تعمیم نیست و مقولاتی چون تداخل جریان‌های قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین المللی با سرعت و به سهولت، غرب آسیا را نظاره گر نزاع‌های خونین ساخته است. این امر، در کنار سایر نظرات بوزان، منبع مفیدی در بخش چارچوب نظری مقاله است.

–حاجی یوسفی (۱۳۸۳) در کتاب «ایران و خاورمیانه»، به تخمین پیامدهای تحولات منطقه برای ایران و ارائه راه کارهایی برای استفاده از فرصت‌های پیش آمده و برون رفت از بحران‌های ایجاد شده، دست زده است.

– کتاب نورانی (۱۳۹۳) در کتاب «داعش از کاشت تا برداشت»، جریان داعش با تفکر

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

سلفی (تکفیری جهادی) را با توجه به سخنان آیت الله خامنه‌ای در سه سطح (الف- نحوه تفکر، شکل گیری و سازماندهی و امکانات داعش، ب- ابزاری شدن داعش در دست دولت‌ها و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه ای، ج- چگونگی مدیریت بحران عراق و سوریه بررسی و تحلیل کرده است.

-فریبایی و شیرودی (۱۳۹۶) در مقاله «گفتمان سیاسی شیعی؛ جهانی‌شدن و بازتولید سلفی‌گری معاصر» به بازخوانی گفتمان اسلام‌گرایی سیاسی جهانی شیعه در تقابل با گفتمان تسنن رادیکال پرداخته و معتقدند که بهترین راه‌کارها در برون‌رفت از بحران سیاسی معاصر در جهان، به رسمیت شناختن نقش مردم در سرنوشت خود است و این امر در قالب دموکراسی و یا مردم‌سالاری محقق خواهد شد. کشاورز (۱۳۹۱) در مقاله «تأثیر سلفی گری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» ضمن بررسی ابعاد و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی حاصل از عملکرد جریان سلفی منطقه‌ای، میزان اثرپذیری آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را نیز مورد بررسی قرار داده است.

- دادرس (۱۳۹۶) در کتاب «امنیت غرب آسیا در نظام قدرت» تلاش کرده است تا با برشماری عوامل ایجاد قدرت و امنیت در یک کشور، در یک منطقه و در نظام بین المللی، نظام قدرت و چالش‌ها و منازعات در مجموعه امنیتی غرب آسیا را به طور خاص مورد بررسی قرار دهد.

- دبیری مهر (۱۳۹۶) در کتاب «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه» در صدد شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی مقاومت اسلامی در آسیای غربی و بنیان‌های دیرپای آن برآمده است. محدوده پژوهش شامل حوزه‌های ایران، عراق، لبنان و فلسطین بوده و مبنای پژوهش بر تجزیه و تحلیل سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و مقالات رهبران فکری و معنوی گفتمان اسلامی گذاشته شده است.

- ابوبکر علی (۱۳۹۵) در اثر «داعش: برآیند افراط گرایی دینی و شکست دولت»، به ابعاد معنوی ظهور داعش و گروه‌های سلفی تأکید می‌کند و معتقد است که افراط گرایی و عدم شناخت درست از مبانی دینی زمینه‌های تشکیل داعش و جریان‌های همفکر آنرا فرآهم نموده است.

- وایس و حسن (۱۳۹۶) در کتاب «داعش: ارتش وحشت»، معتقدندکه در شرایط کنونی،

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

داعش، خطرناک‌ترین تروریست‌های بین المللی است که توانسته است مناطق وسیعی را تصرف نماید و به نوعی، دولت خودخوانده ای را نیز تشکیل دهد. از نظر نگارنده این گروه تروریستی ـ تکفیری تفسیری خشونت بار از اسلام و شریعت اسلامی ارائه کرده است.

– کاکبرن (۲۰۱۵) در کتاب «ظهور دولت اسلامی: داعش و انقلاب جدید سنی» معتقد است که در آستانه جنگ‌های داخلی عراق و سوریه، دولت اسلامی عراق و سوریه در سال ۲۰۱۴ با ایجاد یک نیروی قدرتمند جدید در شرق میانه، جهان را شگفت زده کرد. حامیان این دولت با ترکیب تعصب‌های مذهبی و قدرت نظامی، خلافت خود را اعلام و تهدید جدید را برای وضعیت موجود سیاسی کل منطقه رقم زد.

به طور کلی می توان گفت آثار نگارش شده در خصوص جریان شناسی جنبش‌های اسلامی است لذاکمتر اثری به گسترش گفتمان مقاومت متأثر از انقلاب اسلامی ایران را در حوزه راهبردی آسیای غربی بر پایه مفاهیم منافع ملی، مصالح اسلامی و رویکرد امنیت و در مواجهه با گفتمان سلفی و اخوانی محور مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. از این رو پژوهش پیش رو از جهات ذیل با ادبیات موجود متمایز و متفاوت است: الف) پژوهش پیش رو، در صدد تبیین تأثیر گفتمان مقاومت (شیعی) در حوزه راهبردی غرب آسیا است. ب) مؤلفه‌های مؤثر (منافع ملی و مصالح اسلامی) جمهوری اسلامی ایران در کشورهای راهبردی واقع در منطقه مزبور (عراق، سوریه و لبنان) مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ج) مباحث موجود در گفتمان مقاومت به رهبری ایران را در مقابل گفتمان سلفی ـ اخوانی مورد تدقیق قرار خواهد داد.

تعریف مفاهیم

ـ ترتیبات امنیتی:[1] این اصطلاح نخستین‌بار به‌طور مشخص در دهه ۶۰ میلادی/۴۰ شمسی در آثار افرادی همچون چون «تامس»[2] و «گراید»[3] به‌کار رفت. از نظر آنها ترتیبات فوق به‌معنای مجموعه‌ای متشکل از دولت‌هایی است که حفظ امنیت هریک از آنها در گرو حفظ امنیت دیگری و تهدید امنیت یک عضو به‌منزلهٔ تهدید امنیت سایر اعضا تلقی می‌شود. پس

1. Security arrangements
2. Thamss
3. Gride

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

از آنها این اصطلاح به‌طور مبسوط در نوشته‌های «بری بوزان»[1] مطرح گردید. وی به‌عنوان پیشگام نظریات امنیت منطقه‌ای معتقد است که از طریق تئوری مزبور می‌توان بسیاری از نابسامانی‌های بین‌المللی را توضیح داد (بوزان، ۱۳۸۸: ۱۴). بوزان مجموعه امنیتی را اینگونه تعریف کرده است: «مجموعه‌ای از واحدها که فرآیندهای اصلی امنیت، عدم امنیت و یا هر دو آنها به‌گونه‌ای با یکدیگر مرتبط است که مسائل امنیتی آنها به‌صورت منطقی نمی‌تواند جدا از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد یا اینکه حل و فصل شود» (Buzan et al, 1998: 72).

ـ غرب‌آسیا:[2] اصطلاح «خاورمیانه»[3] را نخستین بار درسال ۱۹۰۲ «آلفرد ماهان»[4] به کار برده است و منظور وی تشریح منطقه اطراف خلیج فارس بود (درایسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۲۰). منطقه مـزبور سرزمینـی راهبـردی و سرشار از منابع غنی نفت و گاز است که در سر راه سـه شـاهراه حیاتـی شامل: قاره آسیا، آفـریقا و اروپا قرار دارد. گستـردگی جغـرافیایی این منطقه سرزمین‌های میان دریاهای مدیترانه و خلیج‌فارس را شامل می‌گردد. به‌عبارت دیگر منطقهٔ مزبور بخشـی از افریقا و آسیا را شامل می‌شود که دربردارنده: جمهوری‌اسلامی‌ایران، اردن، امارات‌متحده‌عربی، افغانستان، بحرین، ترکیه، سوریه، عراق، عربـستان‌سعـودی، عمان، قطر، کویت، لبنان، مصـر، یمن، فلسطین، الجزایر، تونس، لیبی، مراکش و سودان می‌شود. در همین رابطه طی سالیان اخیر اجماعی در میان اندیشمندان امر حاصل شده است که بکارگیری واژهٔ خاورمیانه، غلطی رایج است که باید اصلاح و به‌جای آن واژه بومی آسیای غربی استفاده شود. آن‌ها معتقدند واژه خاورمیانه را اندیشمندان غربی بر حسب میزان دوری و نزدکی به قاره اروپا بکاربرده اند. بدین ترتیب که هرجایی که از آنها دور بوده، خاور دور، هرکجا نزدیک بوده، خاور نزدیک، و هرکجا نه خاور نزدیک به‌حساب می‌آمد و نه خاور دور را خاورمیانه نامیده‌اند. بنابراین بهتر آن است که از واژه غرب‌آسیا استفاده شود.

ـ اسلام سیاسی:[5] اسلام سیاسی اصطلاح جدیدی در برابر اسلام سنتی و عنوانی کلی بر جریان‌های سیاسی و فکری متعددی است که در جهان اسلام حضور دارند و احیاناً با عناوینی متفاوت و گاه متضاد از آنان نام برده می‌شود. محققان جنبش‌های اسلامی از تعابیر مختلفی

1. Barry Buzan
2. West Asia
3. Middle East
4. Alfred Mahan
5. Political Islam

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

در بیان این پدیده استفاده کرده‌اند. مفاهیمی چون بنیادگرایی، بیداری اسلامی، رادیکالیسم، اسلام‌گرایی و عناوین دیگر از جمله مفاهیمی هستند که کاربرد زیادی دارند. در کل به نظر می‌رسد در بین واژگان موجود، اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی، واژگان مناسب‌تری برای توصیف و نام‌گذاری کلان جریان اسلامی معاصر هستند (بهروز لک، ۱۳۸۶: ۲۹)؛ بنابراین، «اسلام سیاسی» مفهومی است برای توصیف جنبش‌ها و جریان‌های فکری ـ سیاسی در جهان اسلام که دغدغهٔ ایجاد حکومت اسلامی داشته و گزاره‌ها، مبانی و اصول بنیادین خود را در چارچوب شریعت اسلامی صورت‌بندی می‌کنند، لذا اسلام سیاسی را می‌توان به‌عنوان گفتمانی به‌شمار آورد که حول مفهوم مرکزی «حکومت اسلامی» نظم و نضج یافته است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷).

ـ **گفتمان:** واژه گفتمان برگرفته از عبارت فرانسوی"Discourse" و واژه لاتین "Discourses"به معنی گفت و گو و محاوره گرفته شده است. (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۴). به بیان دیگر، می‌توان گفت که تحلیل گفتمان بیش از هر چیز دیگر می‌کوشد تا معنا را کشف کند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چارچوب نظری؛ مکتب کپنهاگ

. مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی یک مکتب فکری است که در کتاب باری بوزان به نام «مردم، دولت‌ها و هراس: مسئله امنیت ملی در روابط بین‌الملل»، که اولین بار در سال ۱۹۸۳ انتشار یافت، ریشه دارد. مکتب کپنهاگ تأکید خاصی بر جنبه‌های اجتماعی امنیت دارد. «باری بوزان»، «اولی ویور» و «جاپ دو ویلد» از جمله نظریه پردازان این مکتب هستند.مکتب کپنهاگ امنیت را موضوعی بینا ذهنی تلقی می‌کند، به این معنا که امنیت می‌تواند میان بازیگران امنیتی و مخاطب وی ایجاد شود بنابراین، چنانچه بازیگر امنیتی ساز، پدیده‌ای را امنیتی نماید و مخاطب آن نیز آن را بپذیرد، آن پدیده امنیتی شده است. (ستوده و کیانی، ۱۳۹۷: ۱۳۸).. بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای را مجموعه‌ای از دولت‌ها تعریف می‌کند که برداشت‌ها و نگرانی‌های امنیتی آنها به قدری به یکدیگر مرتبط هستند که معضلات امنیتی آنها جدای از دیگر دولت‌های مجموعه به صورت منطقی قابل تجزیه و تحلیل و حل و فصل نیست.

تعاملات میان دولت‌ها در مناطق امنیتی به عنوان وابستگی متقابل امنیتی عمیقاً ریشه دار و با دوام در یک گروه بندی جغرافیایی منسجم توصیف می‌شود. بوزان جهت پایداری

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

مجموعه‌های امنیتی مناطق وجود چند عنصر را حیاتی می‌دانند این عوامل عبارتند از:

۱) وابستگی متقابل: در چارچوب مجموعه امنیتی شبکه‌ای از روابط امنیتی شدید میان برخی از کشورهاست که امنیت آنها را بهم پیوند زده و امنیت آنها را از سایرین جدا کرده است.

۲) الگوهای دوستی و دشمنی: تعاملات تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی میان دولت‌ها بر اساس طیفی میان دوستی و دشمنی قراردارد براین اساس، غرب آسیا به عنوان منطقه‌ای تعریف می‌شود که دچار تعارض همیشگی است. عوامل فوق، میزان ثبات و پایداری روابط میان بازیگران مجموعه امنیتی ایران و محور مقاومت را تشدید کرده است.

۳) همسایگی: مجاورت سرزمینی از نظر بوزان برای موجودیت یک مجموعه امنیتی ملاک ارزشمندی است و دو نتیجهٔ مهم را در پی خواهد داشت. اول اینکه می‌تواند از حضور و نفوذ قدرت‌های بزرگ فرامنطقه ای در کشورهای همسایه جلوگیری کند، دوم هیچ نگرانی از حضور نظامی مستقیم دولت همسایه و تجاوز به مرزهای سرزمینی نخواهد داشت. به عنوان مثال عراق برای ایران حائز اهمیت است چرا که شکست شیعیان مساوی با گسترش نفوذ و حضور امریکا و داعش در نزدیکی مرزهای ایران است.

۴) وجود حداقل دو بازیگر مؤثر: با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک سوریه (نقطه اتصال سه قاره) و موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک ایران و عراق سه کشور از نقش مهم و تاثیرگذاری در ترتیبات منطقه‌ای برخوردارند

۵) فرهنگ، نژاد و قومیت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همکاری‌های ویژه‌ای میان شیخ نشین های عرب خلیج فارس شکل گرفت. جهت گیری‌های خاص غرب گرایانه، منازعات قومی و رقابت‌های مذهبی شکل گیری دو طیف مستقل در منطقه را موجب شد. بدین ترتیب غرب آسیا دارای دو زیر مجموعه امنیتی مجزا بر اساس بنیادهای فرهنگی، مذهبی و قومی گردید (بوزان، ۱۳۹۰: صفحات مختلف).

انقلاب اسلامی در ایران و تغییر در نظام منطقه‌ای و بین الملل

دهـه ۱۳۶۹/۱۹۷۰ را می‌توان نقـطه عطفـی در سیاست بین الملل دانست. طی این سال‌ها جلوه‌هایی از افول در ساختار قدرت اقتصادی، نهادی و اجتماعی امریکا برای ایجاد و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

الگوی رقابت در ساختار دوقطبی با تغییراتی رو به رو شد. کشورهایی نظیر چین و ژاپن و اتحادیه اروپا به عنوان نیروی محدود کننده قدرت ایالات متحده در سیاست بین الملل ایفای نقش کردند. به موازات چنین فرآیندی، زمینه لازم برای ایفای نقش جنبش‌های اجتماعی در سیاست بین الملل به وجود آمد. انقلاب اسلامی ایران در اواخر دهه ۱۳۶۹/۱۹۷۰ بر اساس نشانه شناسی پست مدرن ظهور کرد. پست مدرنیسم، مدعی است که سازمان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مدرنیته از اساس دچار یک تحول عمیق گشته از همین رو، جهانی نوین با ساختارهایی نوین شکل می‌گیرد. از این نگاه، مدرنیته به انتها رسیده بنابراین با در نظر گرفتن این مفروشه های پست مدرنیسنی می توان گفت که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اندیشه‌های سیاسی جدیدی ظهور یافتند که ممکن بود زمینه‌های لازم را برای تولید و کاربرد قدرت در نظام بین الملل فرآهم آورند. هویت مقاومت در انقلاب ایران آثار و پیامدهای خود را در اندیشه‌های سیاسی بین المللی بر جای گذاشت. ادبیات و قالب‌های گفتمانی انقلاب ایران نه تنها آسیای غربی بلکه حوزه نظریه پردازی در سیاست بین الملل را تحت تأثیر خود قرار داد. در همین راستا و با آغاز قرن ۲۱ اگرچه حمله امریکا به افغانستان و عراق یک تهدید جدی برای منافع ایران و کشورهای همسو محسوب می‌شد، اما به واقع همین امر به نوبه خود سبب نزدیک‌تر شدن این کشور علیه غرب و شکل گیری محوری تحت عنوان محور مقاومت شد. این اتحاد فراتر از یک اتحاد تاکتیکی است به گونه‌ای که کارشناسان امر معتقدند که اتحاد مزبور یک اتحاد راهبردی و سازنده در منطقه غرب آسیا است (ابوالحسن شیرازی و پارسه، ۱۳۹۳: ۹۱). نمونه عینی اظهار نظر فوق جنگ‌های ۲۲ روزه و ۳۳ روزه و عدم نتیجه گیری اسرائیل در این حملات می‌باشد. از همین رو مفسران و تحلیل گران منطقه از این مسأله به عنوان «تلنگر» به ایالات متحده یاد کرده‌اند.

عراقِ پساصدام، تقویت گفتمان مقاومت

انقلاب اسلامی در ایران گفتمان سیاسی شیعه را در همه کشورهای اسلامی را تحت تاثیر قرار داده استو بازتاب آن در همه کشورهای شیعه قابل مشاهده می باشد. می‌توان نخستین بازتاب شکل گیری نظام جمهوری اسلامی و تداوم اقتدار آن را در افزایش اعتمادبه نفس مسلمانان و به ویژه شیعیان دانست. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای همجوار و

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

منطقه غرب آسیا و جهان اسلام به طور خاص، و جهان به طور عام، تحت تأثیر عظمت این رخداد و پیام‌های جهانی و منطقه‌ای آن قرار گرفتند. نوآوری‌های سیاسی و فرهنگی ایران به شدت برای مسلمانان جذاب و شگفت انگیز بود. شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی بخش، تبلیغ اسلام و شروع تفکر ام القری بودن ایران برای جهان اسلام، به وجو آمدند و رد منطقه بازتاب بسیار بالایی داشت(نجاتی، ۱۳۸۸: ۲) یک بررسی مقایسه‌ای بین موزاییک فرهنگی منطقه، قبل و بعد از وقوع انقلاب اسلامی، به خوبی نشانگر تغییرات بافت موزاییک منطقه‌ای در غرب آسیا است و در این راستا شاهد مجموعه‌ای از تأثیرپذیری‌های غیرارادی یا به تعبیر «گراهام فولر[1]»، رفلکسی از سوی مردم منطقه می‌باشیم. این تأثیرات چنان قوی بود که حتی کسانی که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند نیز تحت تأثیر آن قرار گرفته و مجذوبش شدند. در این بین عراق با اکثریت جمعیت شیعه و هم مرز بودن با ایران و نیز وجود حوزه نجف از اهمیت وافری برخوردار است.

در واقع می‌توان گفت: گفتمان سیاسی شیعه در عراق گرچه تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است، اما با قطع نظر از تاریخ که بی ارتباط با ایران نیز نبوده است، باید گفت خاستگاه معاصر آن کاملاً در پیوند با انقلاب اسلامی ایران قابل تعریف است. در خصوص نقش رهبران شیعه در حاکمیت عراق نوین و حرکت آنها به سمت ژئوپلیتیک شیعه باید اذعان داشت که با فروپاشی رژیم بعث و عدم تحقق پیش بینی‌های امریکا، عراق دچار خلاء قدرت شد که همین امر به نوبه خود منجر به ایجاد مشکلات امنیتی به ویژه در بغداد و مناطق سنی نشین گردید. در مناطق شیعه نشین، نفوذ و قدرت مراجع و روحانیون و دعوت مردم به حفظ وحدت و یکپارچگی در کنترل اوضاع بسیار مؤثر بود. سیل عظیم زائران ایرانی به این مناطق نیز موجب رونق بازار اقتصادی و کمکی برای ایجاد آرامش و رفاه در این مناطق گردید، این در حالی بود که مناطق سنی نشین به واسطه اقدامات مسلحانه علیه اشغالگران و ترور عناصر مهم حکومتی، در وضعیت اقتصادی و امنیتی وخیمی به سر می‌برد. (نادری، ۱۳۸۶: ۴۹). متعاقب این وقایع، در سال ۲۰۰۳/ ۱۳۸۲، مقتدا صدر به تشکیل یک گروه شبه نظامی در مناطق شیعه نشین اقدام و پس از درگیری‌هایی میان اشغالگران با این شبه نظامیان، در

1. Graham E. Fuller

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

نهایت با میانجی گری سیاست مداران و روحانیون عراقی و به طور خاص آیت الله سیستانی و با تضمین فرماندار امریکایی مبنی بر صرف نظر کردن از تعقیب مقتدار صدر پایان یافت (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۸۴).

در این بـرهه زمـانی واشنـگتن دریافت که ژئـوپلیتیک نـوینی در عـراق در حال شکل گیـری است که در آن حـاکمیت سیاسی در دست شیعیان است. نقش تأثیرگذار شیعیان بر کنترل بحران‌های پس از صدام، فشار گروه‌های عراقی به ویژه گروه‌های پر قدرت شیعه، پتانسیل بالای مرجعیت با پشتوانه‌های مردمی و همچنین وجود ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای شیعه که از جریان‌های شیعی عراق حمایت می‌کرد، منجر به تقویت ژئوپلیتیک شیعه در این کشور راهبردی شد. در واقع، در کنار رقابتهای بین اهل سنت – شیعه ، رقابت‌ها بین احزاب مختلف شیعه که گاها با احزاب فرامذهبی برای موازنه طرف مقابل ائتلاف می‌نمودند نیز به وجود آمد از جمله ائتلاف العراقیه در مقابل ائتلاف مالکی، که اینها یکی از مشخصه‌های فرایند سیاسی بعد از سقوط صدام بوده است. (ستوده و کیانی، ۱۳۹۷: ۱۵۰). بی تردید، وقوع تحولات سیاسی جدید درعراق، نقطه عطفی در تقویت جایگاه شیعیان در منطقه و جهان به شمار می‌آید. در واقع، انقلاب اسلامی به شیعیان این جرأت و جسارت را داد تا ضمن ابراز هویت خویش، حضور خود را برای دیگران محسوس و ملموس سازند. در شرایط جدید که به تعبیر گراهام فولر، «شیعیان عرب: مسلمانان فراموش شده[1]» به یکباره به عنوان یکی از مهمترین نیروهای تأثیرگذار در مسائل منطقه وارد عرصه تحولات حوزه غرب آسیا شدند (برزگر، ۱۳۸۹: ۸۸). در واقع گفتمان مقاومت منبعث از انقلاب اسلامی در عراق نوین اندیشه سیاسی شیعه را متحول و آن را معطوف به قدرت نموده و به حالت گفتمانی درآورده است.با بررسی نقش و جایگاه جریان‌های عمدهٔ شیعی در عراق، مشاهده می‌شود که علیرغم همهٔ مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، شیعیان سهم عمده‌ای در ادارهٔ عراق نوین و نقش الهام‌بخش برای شیعیان عرب در کشورهای اسلامی و عربی داشته اند.

شکل گیری گفتمان مقاومت و وابستگی متقابل

۱. حز ب الله لبنان: یکی از مشهورترین و مهم‌ترین گروه‌های اسلام گرای شیعی است که

1. Arab Shi’a: The Forgotten Muslims

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

در جهان اسلام ظهور یافته و اثرات مهمی از خود در صحنه بین الملل به جا گذاشته است. این جنبش توانسته است از بدو شکل گیری تا به امروز توفیقات فراوانی کسب نماید و به نماد عزت و اقتدار ملی لبنان مبدل گردد. ادبیات سیاسی و نوع شعارهای حزب الله بیانگر تأثیرپذیری و الهام گرفتن این جنبش از انقلاب اسلامی در ایران می‌باشد (هرزان، ۱۳۹۰: ۲۴۴). حزب الله از سال ۱۹۸۲/ ۱۳۶۱ تا ۲۰۰۰ میلادی/ ۱۳۷۹ شمسی، یعنی از زمان تأسیس تا زمان تبدیل به یک نیروی مؤثر چالشگر در برابر اسرائیل، مراحل مختلفی را در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی طی کرده است. باید توجه داشت که این جنبش طی دهه‌های اخیر از متغیری کم اثر به وزنه‌ای جدی و دغدغه‌ای اصلی برای رژیم اسرائیل در عرصه نظامی بدل شده است. حزب الله با انتخاب استراتژی مقاومت در برابر اشغالگری، توانست به تدریج نیروهای ارتش اسرائیل را تا جنوب لبنان عقب براند و سرانجام در سال ۲۰۰۰ میلادی/ ۱۳۷۹ شمسی، موفق شد اسرائیل را مجبور کند تا از جنوب لبنان، به استثنای مزارع شعبا و تپه‌های کفر، عقب نشینی کند. پیروزی حزب الله در سال ۱۳۷۹/۲۰۰۰ نقطه عطفی در تاریخ این جنبش و نیز در مواجهه جهان اسلام با رژیم اسرائیل محسوب می‌شود (شیروانی، ۱۳۸۹: ۴۸). از منظر تحلیل گران غربی حزب الله یک جنبش جهادی اسلامی مترقی است. با این حال، استفاده از اصطلاح جهاد نباید موجب شود که تصور کنیم حزب الله به طور ذاتی یک گروه افراطی و خشونت طلب است. اگرچه اهداف اولیه این جنبش مقاومت نظامی در برابر اسرائیل بوده و این مقاومت از آغاز تاکنون علت وجودی آن را تشکیل می‌دهد ولی هدفش منحصراً نظامی نیست. تعامل این جنبش با بازیگران مسیحی و سنی صحنه سیاسی لبنان، حتی با احزابی که گرایش‌های میهن پرستانه و حضور فعال در عرصه سیاست این کشور و نیز گاهی اخلاقی نشأت گرفته از فلسفه جهاد اکبر دارند، این امر را تأکید می‌کند. از این رو باید گفت حزب الله فقط یک حزب نیست، بلکه جریانی فراگیر، محبوب با پشتوانه مردمی بالا، در لبنان و همچنین در جهان اسلام است و قوی‌ترین جنبش‌های ضدصهیونیستی اسلامی شیعی در مجاورت اسرائیل محسوب می‌شود که مبانی ایدئولوژیک و نگرش سیاسی این جنبش، بیشترین تشابه و نزدیکی را با گفتمان مقاومت برخاسته از جمهوری اسلامی در ایران دارد (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

با تحقیق در مسأله رخ داده می‌توان چنین استنباط کرد که عملیات حزب الله و عقب

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

نشینی اسرائیل تا «کمربند باریک امنیتی» در جنوب لبنان دارای آثار و پیامدهای قابل توجهی است. در واقع با این عقب نشینی، شکست در جنوب لبنان تنها نگرانی اسرائیل نبود بلکه آنها نگران احیای رادیکالیسم شیعه و سرایت روش مبارزاتی حزب الله بر مسلمانان نوار غزه و کرانه باختری رود اردن بودند که عملاً نیز بـه زودی تحقق این واهمه، در شـروع انتفاضه فلسطین نمود عینی یافت. بیرون راندن اسرائیل از جنوب بیروت در این مقطع حساس، بزرگ‌ترین پیروزی سیاسی ـ نظامی را برای حزب الله و گفتمان مقاومت رقم زد و برای نخستین بار در تاریخ مبارزه با این رژیم، شکستی را به آن تحمیل کرد که ارتش‌های عربی از انجام آن عاجز بودند (کچویان، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

۲.مقاومت حماس: از جمله نیـروهای فـروملی با حیـطه بازیگری فـراملی منبعث از گفتـمان مقاومـت حمـاس می‌باشد. جنبش مقاومت اسلامی حماس یک سازمان اسلام‌گرای سیاسی– نظامی فلسطینی است. این سازمان در سال ۱۹۸۷ به رهبری عبدالعزیز رنتیسی و شیخ احمد یاسین به عنوان شاخه فلسطینی اخوان‌المسلمین تأسیس شده و هدف خود را «آزادی تمامی خاک فلسطین» اعلام کرده‌است. با این حال در پی اختلاف نظر بر سر شیوه مقابله با اسرائیل، این جنبش از اخوان المسلمین جدا شد و در سال ۱۹۸۷ اعلام موجودیت کرد (گودرزی، ۱۳۹۱: ۲۶). حماس با حکومت خودگردان فلسطین همکاری کرده، وارد مهم‌ترین نهادهای وابسته به آن شده و حتی در سال ۲۰۰۶ با پیروزی در انتخابات شورای قانونگذاری فلسطین به حزب حاکم مجلس قانون‌گذاری فلسطین تبدیل شدند و اسماعیل هنیه از رهبران حماس به عنوان نخست‌وزیر حکومت خودگردان فلسطین معرفی شد.

۳. جنبش جهاد اسلامی فلسطین: این جنبش یک سازمان سیاسی و نظامی فلسطینی است که بر اساس اندیشه امام خمینی (ره) تشکیل شد. این جنبش در اواخر دهه ۷۰ میلادی / ۶۰ شمسی توسط سه دانشجوی فلسطینی در مصر؛ فتحی شقاقی و عبدالعزیز عوده و بشیر موسی به عنوان بخشی از جهاد اسلامی مصر تشکیل شد. در واقع، می‌توان انقلاب اسلامی ایران را مهمترین عامل تأثیرگذار بر این جنبش دانست. این جنبش به خواست فلسطینی‌ها شعار اسلام، جهاد، فلسطین را مطرح کرد که در آن اسلام به عنوان نقطه آغاز، جهاد به عنوان وسیله و آزادی فلسطین به عنوان هدف شناخته شد. در میان گروه‌های فلسطینی جهاد اسلامی بیشترین نزدیکی را با حماس دارد. هر دو آن‌ها اسلام‌گرا هستند، هر دو آن‌ها موجودیت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

اسرائیل را به رسمیت نشناخته و با هدف نابودی آن می‌جنگند. (شوشی نسب، ۱۳۹۱: ۶۴).

تابستان ۲۰۰۶ صحنه اقدامات تحریک آمیز عادی ایی بود که همواره از سال ۲۰۰۰ به بعد میان اسرائیل و حزب الله انجام گرفته بود اما این بار منتهی به جنگی ویران کننده شد. در این رابطه «گیدو اشتاینبرگ»[1] کارشناس غرب آسیا درکتاب «بنیاد علم و سیاست» معتقد است: «در بین همه جنگ‌های اسرائیل از سال ۱۳۲۷/۱۹۴۸ به بعد این تنها جنگی بود که اسرائیل برای آن بیشترین آمادگی را داشت. در واقع تدارک آن از سال ۲۰۰۰ میلادی/ ۱۳۷۹ شمسی، بلافاصله پس از عقب نشینی اسرائیل شروع شد. یعنی هنگامی که روشن شد جامعه بین المللی از انبار کردن موشک‌ها و حمله به اسرائیل توسط حزب الله ممانعت نمی‌کند».

در رابطه با نتایج جنگ مزبور می‌توان گفت که پس از ۳۳ روز جنگ، که به فراخور توانایی‌های نظامی طرفین به بمباران یکدیگر می‌پرداختند در ۱۱ اوت ۲۰/۲۰۰۶ مرداد ۱۳۸۵ بنابر قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت که حزب الله را به عقب نشینی تا ساحل رودخانه لیتانی (جهت استقرار ارتش لبنان و نیروهای پاسدار صلح) و همچنین ارتش اسرائیل را به عقب نشینی از مناطق جنوبی لبنان دعوت می‌کرد، جنگ خاتمه یافت. از آنجایی که پس از هر مناقشه‌ای طرفین درگیر از منظر خود، خویش را پیروز جنگ می‌نامند، نگاهی به اهداف پیش از جنگ، عملکرد در خلال جنگ و پیامدهای پس از جنگ، به وضوح میزان دستیابی به اهدف از پیش طراحی شده را به خوبی مشخص خواهد کرد. عمده اهداف اسرائیل در این جنگ تلاش برای خلع سلاح حزب الله از طریق وارد آوردن ضربه به کارایی حزب الله و ارسال پیام تنبیهی به رهبران لبنان بود. در واقع چنانچه عنوان می‌شود تلاش برای خلع سلاح لبنان از طریق هوا، به هیـچ وجه عملـی نبوده است؛ زیرا برای نیروی هوایی اسرائیل راهی وجود نداشته تا تسلیحاتی که اغلب در مخفی گاه‌ها قرار داشتند را از بین ببرد (مرشایمر،۱۳۹۳: ۲۸۱). بنابراین، مجموعه پیامدهای ناشی از اقدامات گسترده کارشناسان نظامی اسرائیل مبنی بر ناتوانی ارتش این رژیم در انهدام حزب الله و افزایش تردید بر توان بازدارندگی اسرائیل، رئیس وقت ستاد نیروهای دفاعی اسرائیل «ژنرال دان هالوتس»[2] را بر آن داشت تا از نرسیدن اسرائیل به اهداف خود در جنگ با حزب الله صحبت کند. وی با اعلام

1. Guido Steinberg
2. Dan Halutz

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

شکست نظامی ارتش اسرائیل در نبرد با جنگجویان حزب الله، بردرستی انتقادات از عملیات نظامی این کشور صحه گذاشت.

پس از اخراج نیروهای تشکیلات خودگران از غره توسط حماس و تسلط این جنبش بر این باریکه، اسرائیل محدودیت‌هایی را علیه این منطقه به اجرا گذاشت. از سوی دیگر توافق نامه امنیتی مصر و اسرائیل که در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۷/ ۲۷ خرداد ۱۳۸۶، منعقد و بر اساس اجرای آن دسترسی‌های حماس و گروه‌های جهادی فلسطین از مصر را با اختلال مواجه کرد، این گروه‌ها را به حملات پراکنده‌ای علیه اسرائیل سوق داد که با واکنش‌های متقابل اسرائیل مواجه که سبب بروز جنگ ۲۲ روزه شد. این جنگ در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸/ ۷ دی ۱۳۸۷ شروع و در شبانگاه ۱۷ ژانویه ۲۰۰۹ / ۲۸ دی ۱۳۸۷ پس از سه هفته عملیات نظامی با میانجی گری مصر، مذاکرات غیرمستقیم حماس و اسرائیل با آتش بسی ختم شد که دو طرف توافق کردند از دست زدن به عملیات مسلحانه در خاک یکدیگر خودداری کنند. فارغ از پرداختن به زمینه‌های بروز جنگ، به تحقیق باید گفت که جنگ ۲۲ روزه آثار و پیامدهای مهمی داشت که مهم‌ترین آن‌ها: ۱) تزلزل در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی؛ ۲) خدشه دار شدن چهره رژیم صهیونیستی؛ و ۳) تقویت جایگاه محلی و منطقه‌ای جریان مقاومت و تحول در آرایش قدرت غرب آسیا بوده است. می‌توان اذعان داشت که رژیم صهیونیستی از سه جهت: منطق آغاز جنگ، طرف مقابل جنگ و شیوه جنگ با شکست اخلاقی مواجه شد. رژیم صهیونیستی در ابتدای جنگ خواست به جهانیان القا کند که وارد جنگی مشروع و دفاعی شده است اما این مسأله نمی‌توانست درست باشد؛ زیرا دفاع مشروع زمانی معنا می‌یابد که طرف مقابل در اقدامات خود نقض قانون بین المللی را داشته باشد، اما این رژیم صهیونیستی بود که با محاصره طولانی مدت قوانین بین المللی را نقض کرد.

جنگ ۲۲ روزه را می‌توان آخرین بخش شکست استراتژی انزوا و مهار جریان مقاومت در منطقه غرب آسیا دانست. پس از شکست پی در پی امریکا در تحکیم نظم مورد نظر خود در آسیای غربی که در قالب طرح خاورمیانه بزرگ مطرح شده بود، دولتمردان نومحافظه کار امریکا در ماه‌های پایانی دولت بوش در صدد برآمدند تا با یک برنامه فشرده و به اصطلاح حساب شده ناکامی‌های پیشین خود را در استقرار نظم امریکایی در منطقه جبران کند. به تحقیق رژیم صهیونیستی در گذشته‌ای نه چندان دور، با جبهه منسجمی از کشورهای اسلامی

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

و عربی در مقابل خود مواجه بود. اما این رژیم به تدریج با برقراری رابطه با تعدادی از کشورهای اسلامی و شروع روند مذاکرات اسلو، موفق شد تا حدودی انسجام و اتحاد جبهه مخالف خود را از بین ببرد. افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران به موازات فزونی وابستگی سران عرب به امریکا موجب شد تا به تدریج ملاک آرایش سیاسی متحول شود.

گروهای تکفیری سلفی- اخوانی:

سلفیت واژه‌ای عربی است و در اصطلاح امروزی، نام عده‌ای از گروه‌ها، سازمان‌ها و شخصیت‌های اهل سنت است که برای احیای دوران سلف یا سیره سلف صالح و ایجاد خلافت اسلامی کوشش می‌کنند. در یک تقسیم‌بندی عام می‌توان همه گروه‌ها و جریانات سلفی را در چهار گروه ۱) سلفیت تبلیغی؛ ۲) سلفیت اخوانی؛ ۳) سلفیت جهادی؛ ۴) سلفیت تکفیری جای داد. (عباس زاده و نخعی زرندی، ۱۳۹۸: ۴۵).

نکته قابل‌توجهی که در رابطه با گروه‌های افراطی فوق خودنمایی می‌کند آن است که آنها طی سالیان اخیر با دو هدف عمده یعنی جنگ نیابتی علیه جمهوری‌اسلامی‌ایران به‌عنوان رهبر و رأس محور مقاومت و همچنین با هدف بدیل‌سازی برای گفتمان مقاومت پا بر عرصه وجود نهاده‌اند. پُر واضح است که ظهور گروه‌هایی مانند داعش و حمایت کشورهایی همچون عربستان‌سعودی از این گروه‌ها را می‌توان در راستای جنگ نیابتی دانست که قریب به یک دهه است بین جمهوری‌اسلامی‌ایران به‌عنوان رهبر محور مقاومت و عربستان‌سعودی به‌عنوان رأس محورسازش در منطقهٔ غرب‌آسیا در جریان است. اهمیت موضوع مزبور تا آنجا است که برخی صاحب‌نظران امرجنگ نیابتی عربستان‌سعودی علیه تهران را به جنگ سرد غرب‌آسیا تعبیر کرده‌اند. در همین راستا از یک سو در عراق پسا صدام و با به قدرت رسیدن شیعیان و تقویت گفتمان مقاومت در این کشور و تلاش‌های ناکام عناصر تندروی سَلَفی – تکفیری در سوریه گفتمان مقاومت تقویت شد و از سوی دیگر با بدیل‌سازی گفتمان مقاومت، داعش با تأسیس دارالخلافه به مرکزیت موصل، درصدد بود تا نسخهٔ جدیدی از اسلام‌گرایی را به منصهٔ ظهور برساند. در حالیکه داعش خود را بنیان‌گذار خلافت اسلامی معرفی می‌کرد و داعیه رهبری مسلمین جهان و مقابله با استیلای کفار بر مسلمانان را داشت که کنش سیاسی این گروه در مسائل مهم منطقه‌ای نظیر جنگ ۵۱ روزه غزه سند محکمی در بطلان ادعاهای

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

این گروه تروریستی ـ تکفیری است. اقدامات وحشیانه و غیرانسانی این گروه به ظاهر اسلامی در عراق و سوریه، نظیر سر بریدن و مثله کردن و اعدام‌های دسته‌جمعی نیروهای دولتی و همچنین اقلیت‌های دینی و مذهبی نظیر علوی‌ها، شیعیان، ایزدی‌ها و مسیحیان و حتی غیرنظامی‌ها بیان کننده این واقعیت است که اندیشه‌ها و اعمال این گروه هیچ سنخیتی با اسلام و تعالیم آن ندارد (Niakoei & Sotoude, 2015: 89). بنابراین می‌توان گفت که ظهور داعش و گروه‌هایی نظیر آن به‌عنوان نمایندگان گفتمان سلفی ـ اخوانی، نه‌تنها نتوانسته است جایگزینی برای گفتمان مقاومت باشد بلکه با اعمال نسنجیده خود چهره گروه‌ها، جنبش‌ها، سازمان‌ها و جریان‌های اسلامی را که در چارچوب گفتمان مقاومت تعریف می‌شوند و حرکت در مدار اسلام را مبنای عمل خویش قرار داده و مفاهیمی مثل مقاومت و جهاد در مقابل اشغالگران و متجاوزان را سرلوحه گفتمان خود قرار داده‌اند، مخدوش کرده‌اند. از این‌رو بود که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رأس محور مقاومت در منطقه درصدد برآمد تا به مقابله و مبارزه حداکثری با گروه‌های تروریستی ـ تکفیری بپردازد. در همین راستا بود که در فضای تحولات موسوم به بهارعربی و در کشورهایی همچون سوریه و عراق که مأمن اصلی این گروه‌های تروریستی بود به مبارزه پرداخت و منطقه را از وجود جنبش‌ها و گروه‌های به‌ظاهر اسلامی پاکسازی کرد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

نتیجه‌گیری

پس از تغییر در نظم حوزه راهبردی آسیای غربی، گفتمان مقاومت اسلامی با جبهه گیری‌ها و اقدامات خود توانست نظم امنیتی هژمونیک منطقه را دگرگون سازد. در این راستا و منبعث از گفتمان مقاومت اسلامی برخاسته از انقلاب اسلامی در ایران، گروه‌های فروملی (حزب الله و حماس) و فراملی (دولت شیعه در عراق) در صفحه شطرنج غرب آسیا روی کار آمدند. بازتولید قدرت شیعی در منطقه که منبعث از گفتمان انقلاب اسلامی در ایران بود موجب شد تا شاهد درگیری‌های استـراتژیکی در سطح منطقه باشم که مثال برجسته آن حزب الله لبنان می باشد، از جمـله این درگیری‌ها می‌توان به جنگ‌های ۲۲ روزه و ۳۳ روزه اشاره کرد که در آن امنیت رژیم صهیونیستی و دیگر هم پیمانان منطقه‌ای‌اش دستخوش تهدید فزآینده ای گردد. در واقع «این انقلاب بسیاری از مسائل مرتبط با بیداری اسلامی معاصر از قبیل ایمان، فرهنگ، قدرت و سیاست را در برمی گیرد . تأثیر انقلاب اسلامی و گفتمان شیعی بر منطقه و جهان را» به مثابه یکی از قواعد قطعی و تخلف ناپذیرو به مثابه «ایران در مقام نوعی مرجع» محسوب می شود.

با نگاهی کلی می‌توان گفت که پس از سال ۲۰۰۳ / ۱۳۸۲ و در فضای پسا صدام در عراق و شکل گیری خلاء امنیت در این کشور، در پی افـزایش فعالیت گروه‌های تـکفیری و نیـز پـس از شکل گیری منـازعات داخلی در سـوریه و تضعیف رژیم اسد در نتیجه فعالیت‌های گروه‌های تکفیری، تأثیر مسائل داخلی و نیز مسأله امنیت در این دو کشور برای گفتمان مقاومت فزونی یافته است. این مسأله به نوبه خود به دلیل همجواری و نیز اهمیت راهبردی عراق و نیز سوریه برای جمهوری اسلامی ایران و اهمیت راهبردی آنها برای پیشبرد اهداف مجموعه امنیتی محور مقاومت از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. همچنین جنبش‌های اسلامی شکل گرفته در یمن و خروج حکومت دست نشانده سعودی از عواملی به شمار می‌رود که سبب ورود و فعالیت بیش از پیش گروه‌های سلفی ـ تکفیری، تحت تأثیر باورهای سلفی، در این کشور شده و موجب جبهه بندی‌های جدید در منطقه گردیده است که امنیت گفتمان مقاومت را متأثر و لزوم اتخاذ راهبردهایی نوین در قبال آنها را سبب شده است. با توجه به نگاه ساختارگرایانه مکتب امنیتی کپنهاگ، ناامنی شکل گرفته در مجموعه امنیتی غرب آسیا و در مناطق پیرامون جمهوری اسلامی ایران به عنوان رأس محور مقاومت، امنیت گفتمان

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

مقاومت را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد تهدید قرار داده است.

با مُداقه در نوع رقابت پدیدار شده میان گفتمان‌های مقاومت اسلامی و همچنین رویکرد سلفی ـ اخوانی در منطقه راهبردی آسیای غربی می‌توان گفت گفتمان مقاومت و رویکرد سلفی ـ اخوانی به مقابله با یکدیگر برخاسته و این در حالی است که همواره به زیان گفتمان‌های متخاصم بوده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

منابع

ابوالحسن شیرازی، حبیب الله؛ پارسه، رضا (۱۳۹۳). «ائتلاف سه گانه ایران، سوریه و حزب الله و تأثیر آن بر منافع امریکا در خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره سوم، شماره ۱.

اسپوزیتو، جان و وال، جان (۱۳۹۲). *جنبش‌های اسلامی معاصر*، ترجمه شجاع احمدوند، تهران، نشرنی.

ایکنبری، جان. جی (۱۳۸۲). *تنها برقدرت؛ هژمونی امریکا در قرن ۲۱*، ترجمه عظیم فضلی پور، تهران، انتشارات ابرار معاصر.

ایکنبری، جی. جان (۱۳۸۲). «عراق و سودای بلند پروازانه امریکا»، ترجمه حمید مرادخواه و امین روان بد، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۲۸.

برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱). *نظریه‌های بازتاب جهان انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

برزگر، کیهان (۱۳۸۹) «ایران و هلال شیعی، افسانه یا واقعیت»، *فصلنامه امنیت پژوهی*، سال نهم، شماره ۳۰،

بشیر، حسن (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان دریچه‌ای بری کشف ناگفته‌ها*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۶). «کاربرد تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی»، *مجموعه مقالات روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

بوزان، بری (۱۳۸۸). *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بوزان، بری (۱۳۹۰). *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۶)، *«اسلام سیاسی در ایران»*، قم، انتشارات دانشگاه مفید.

درایسدل، آلاسدیدر؛ بلیک، جرالد. اچ. (۱۳۸۶). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال افریقا*، ترجمه دره میر حیدر (مهاجرانی)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

زرقانی، سیدهادی؛ احمدی، ابراهیم (۱۳۹۶). «شیعه هراسی به مثابه قلمروسازی گفتمانی محور غربی ـ عربی در بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه؛ مطالعه موردی بحران سوریه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال سیزدهم، شماره ۱، صص ۳۰ ـ ۱.

ستوده، علی اصغر؛ کیانی، آذین (۱۳۹۷). «تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان .

شوشی نسب، نفیسه (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی گفتمانهای اخوان المسلمین، حماس و جهاد اسلامی»، *فصلنامه مطالعات فلسطین*، بهار، شماره ۱۶.

شیروانی، میثم (۱۳۸۹). *قدرت نرم حزب الله، پیامدهای سیاسی و امنیتی جنگ ۳۳ روزه*، تهران، انتشارات دانشگاه صادق (ع).

عباس زاده، مهدی؛ نخعی زرندی، نصرالله (۱۳۹۸). «بررسی شکل گیری داعش براساس نظریه پسابین الملل فرگوسن و منزیاخ»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال نهم، شماره سوم، پاییز .

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]

قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷). «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال یازدهم، شماره ۳۸.

نجاتی، حمزه، (۱۳۸۸). «تأثیر انقلاب اسلامی بر عربستان سعودی» قابل دسترسی در: http://navideshahed.com/fa/news .

کچویان، حسین؛ زائری، قاسم (۱۳۹۱). «بازنمایی غرب در گفتمان اسلامِ احیاشده» *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، سال پنجم، شماره ۲۰.

گودرزی، سهیل؛ محمودی، محسن (۱۳۹۱). «سیاست نرم‌افزاری ایالات متحده در خاورمیانه: مقایسه جورج بوش و باراک اوباما»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۶، شماره ۲.

گلشنی، علیرضا؛ باقری، محسن (۱۳۹۱). «جایگاه حزب الله در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی*، شماره ۱۱، صص ۱۵۶ ـ ۱۲۳.

مرشایمر، جان. جی (۱۳۹۳). *گروه فشار اسرائیل و سیاست خارجی امریکا*، ترجمه رضا کامشاد، تهران، نشر فرزان.

مظاهری، محمدمهدی (۱۳۹۷). «نقش و جایگاه ایران در سیستم امنیتی خلیج فارس»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال نهم، شماره اول، بهار .

نادری، محمود (۱۳۸۶). «چگونگی روند دولت سازی در عراق پس از صدام و مایه‌های ناامنی»، *مجله سیاسی ـ اقتصادی*، شماره ۲۳۷ و ۲۳۸.

هزران، یوسی (۱۳۹۰). *شیعیان در لبنان: از حاشیه تا مرکز، در حزب الله لبنان سیاست، قدرت و اقتدار*، ترجمه سیدحسین موسوی و عسگر قهرمان پور، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Buzan, Barry (1998). "*People, States & Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post – Cold war Era*". London: Harvester wheatsheaf publication.

Niakoyi, Amir & Sotoudeh, Ali Asghar (2015). "*The Impact Of Internal Conflicts In Syria & Iraq On The Security Of The Middle East*", Researches Policy Strategic Quarterly.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۱۰۹

شیرودی، مرتضی؛ شاه علی، احمدرضا؛ جمشیدی فرد، کرم (۱۳۹۹)، «گفتمان مقاومت (شیعی) و تأثیر آن بر نظم امنیتی هژمونیک غرب‌آسیا در مواجهه با گفتمان‌های سَلَفی و اِخوانی» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۱۰، ش۱، بهار ۹۹، صص ۲۳۹ – ۲۱۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.4.5]